

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان
گروه حقوق - گرایش جزا و جرم‌شناسی

مطالعه بزه‌دیده‌شناسانه جرایم بدون بزه دیده در قلمرو مجازات‌های تعزیری و بازدارنده

از:

قاسم علیزاده لاسکی

استاد راهنما:

حجت الاسلام دکتر حسن شاه‌ملک‌پور

استاد مشاور:

دکتر مجتبی جانی‌پور

شهریور ۱۳۹۰

مرحوم پدرم
منظر استقامت، حمیت و تواضع

و

مادرم مہربانم
اسوہ دلسوزی، فداکاری و گذشت

و

ہمسرم
بہ پاس زحمات بی دریغشان

سپاسگزاری

با تقدیر و تشکر از اساتید ممتزّه :

جناب آقای دکتر حسن شاه ملک پور

استاد ممتزّه و ارجمند که از راهنماییهای ارزنده ایشان در تدوین این پایان نامه بهره‌مند شده.

جناب آقای دکتر مجتبی جانی پور

استاد ممتزّه و ارجمند که زحمت مشاوره و نظارت بر روند نگارش این پایان نامه را تقبل فرمودند.

در فاطمه نیز از استاد گرانقدر و بزرگوار جناب آقای دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی

که در انجام این تمقیق کمک و راهنمایی فراوان کردند ، صمیمانه تشکر و قدردانی می نمایم.

۲۷ ۲-۱-۱-۱- آمار جنایی و جرایم بدون بزه دیده
۲۷ ۲-۱-۲- جرایم بدون بزه دیده و پیشگیری از جرم
۳۰ ۲-۱-۲-۱- تعریف پیشگیری از جرم
۳۱ ۲-۱-۲-۲- محدودیتها و موانع پیشگیری از جرم
۳۲ ۲-۱-۲-۳- انواع پیشگیری از جرم
۳۲ ۲-۱-۳- تاثیر جرایم بدون بزه دیده بر احساس نا امنی
۳۴ ۲-۲- آثار جرایم بدون بزه دیده در قلمرو سیاست جنایی
۳۶ ۲-۲-۱- جرایم بدون بزه دیده و فرایند کیفری
۳۷ ۲-۲-۱-۱- سیستم قانونی بودن یا الزامی بودن تعقیب
۳۸ ۲-۲-۱-۲- سیستم موقعیت داشتن یا مناسب بودن تعقیب
۳۹ ۲-۲-۲- جرایم بدون بزه دیده و عدالت ترمیمی
۴۰ ۲-۲-۲-۱- تعریف عدالت ترمیمی
۴۱ ۲-۲-۲-۲- عناصر عدالت ترمیمی
۴۱ ۲-۲-۲-۲-۱- داوطلبانه بودن
۴۲ ۲-۲-۲-۲-۲- اظهار حقیقت
۴۲ ۲-۲-۲-۲-۳- رودر رویی
۴۲ ۲-۲-۲-۲-۴- توافق
۴۲ ۲-۲-۲-۲-۵- حمایت
۴۲ ۳-۲-۳- جرایم بدون بزه دیده و تورم کیفری
۴۳ فصل سوم : مصادیق جرایم بدون بزه دیده در مجازاتهای تعزیری و بازدارنده
۴۶ ۳-۱- جایگاه جرایم بدون بزه دیده مطلق
۴۸ ۳-۱-۱- جرایم علیه خود شخص
۴۸ ۳-۱-۱-۱- اعتیاد به مواد مخدر
۴۸ ۳-۱-۱-۲- تکدی و ولگردی
۵۱ ۳-۱-۲-۱- تکدی
۵۱ ۳-۱-۲-۲- ولگردی
۵۲ ۳-۱-۲- جرایم توأم با رضایت
۵۳ ۳-۱-۲-۱- جرایم اخلاقی و عفاف
۵۴ ۳-۱-۲-۱-۱- روابط نامشروع (اعمال منافی عفت)
۵۴ ۳-۱-۲-۱-۲- ممنوعیت خرید و فروش برخی البسه
۵۵ ۳-۱-۲-۲- جرایم مالی و اقتصادی
۵۶ ۳-۱-۲-۲-۱- ربا
۵۶ ۳-۱-۲-۲-۲- خرید و فروش کوپن های کالاهای اساسی
۵۸ ۳-۲- جایگاه جرایم بدون بزه دیده نسبی
۶۰ ۳-۲-۱- جرایم علیه بزه دیدگان اعتباری (قراردادی)
۶۰ ۳-۲-۱-۱- جرایم علیه اخلاق عمومی
۶۰ ۳-۲-۱-۱-۲- جرایم مرتبط با تجهیزات ماهواره ای
۶۲ ۳-۲-۱-۱-۲-۳- فعالیت غیر مجاز در امور سمعی و بصری

۶۴ ۳-۱-۱-۲-۳- تظاهر به فعل حرام و بدحجابی
۶۶ ۳-۱-۱-۲-۳- جرایم مرتبط با مشروبات الکلی
۶۷ ۳-۱-۲-۳- جرایم علیه مصالح و منافع عمومی
۶۸ ۳-۱-۲-۳- جرایم علیه نظم عمومی
۶۸ ۳-۱-۲-۱-۲-۳- جرایم اداری
۶۹ ۳-۱-۲-۱-۲-۳- دفن یا مخفی کردن جنازه بدون رعایت نظامات دولتی
۶۹ ۳-۲-۲-۱-۲-۳- جرایم علیه محیط زیست
۷۰ ۳-۱-۲-۲-۱-۲-۳- اقدامات علیه بهداشت عمومی
۷۰ ۳-۱-۲-۲-۱-۲-۳- شکار و صید غیر قانونی
۷۱ ۳-۲-۲-۳- جرایم علیه بزه دیدگان بالقوه
۷۱ ۳-۱-۲-۲-۳- جرایم راهنمایی و رانندگی
۷۱ ۳-۱-۱-۲-۲-۳- رانندگی بدون گواهی نامه رسمی
۷۲ ۳-۱-۲-۲-۳- عدم استفاده از کمر بند و کلاه ایمنی
۷۲ ۳-۲-۲-۳- جرایم مرتبط با سلاح و مواد منفجره غیر مجاز
۷۵ نتیجه گیری
۷۸ پیشنهادها و راهکارها
۸۱ فهرست منابع و مآخذ

مقدمه

در گذشته بیشتر توجه جرم شناسان به مرتکب جرم یعنی شخص بزهکار متمرکز بود به گونه ای که مجرم به طور انحصاری تمامی توجه پژوهشگران را به خود معطوف ساخته بود و به قربانی جرم توجهی نمی شد. در آن زمان با ظهور مکتب تحقیقی و در پی انتشار کتاب «انسان بزهکار» اثر سزار لمبرزو در سال ۱۸۷۶ زمینه های تولد رشته جدیدی به نام «جرم شناسی» فراهم گشت که از نظر این رشته نیز مرکز ثقل حقوق کیفری، شخص بزهکار بود.

با گذشت زمانی کمتر از یک سده پس از تولد جرم شناسی به تدریج سوالاتی در مورد مجنی علیه و چشم انداز مسائل مربوط به او مطرح شد و موجب توجه بعضی از جرم شناسان به عنصر فعال دیگری در فرایند بزهکاری گردید بدین سان بود که آن ها مطالعات خود را بر سهم، نقش و منش و ... بزه دیده متمرکز کردند.

دستآورد این تغییر نگرش، ظهور رشته جدیدی با عنوان «بزه دیده شناسی» بود که علاوه بر بزه و بزهکار ورود عنصر بزه دیده را نیز در فرایند ارتکاب جرم لازم و ضروری می دانست. بزه دیده از جمله موضوعاتی است که طی چند دهه اخیر اهمیت فراوانی یافته و مباحث زیادی را به خود اختصاص داده است.

بزه دیده شناسی نخستین بار در اواخر سال ۱۹۴۰ و توسط فون هنتینگ شکل گرفت که در صدد بود تا با بزه دیدگان به عنوان شرکت کنندگان فعال در جرم برخورد کند. او اظهار کرد که بزه دیدگان نقش علی در جرایم را ایفاء می کنند و با بزهکار همکاری و تبانی می نمایند و او را تحریک می کنند. (O'brien and yar , P.175)

موضوع بزه دیده شناسی ابتدا در ادامه بحث های مربوط به علت شناسی جنایی، یعنی در بستر جرم شناسی مطرح شد. چرا که نخستین مطالعات مربوط به بزه دیده (قربانی مستقیم جرم) بر سهم و نقشی که این کنشگر در ارتکاب جرم ایفاء می کرد، متمرکز بود. علت شناسی جنایی بر این نکته تأکید داشت که یک بزه دیده ممکن است در وقوع جرم به عنوان عامل محرک و فردی که به طور ضمنی در وقوع جرم رضایت داشته، همکاری کرده، توطئه نموده و یا با رفتار و کردار خود، زمینه تحریک مرتکب به ارتکاب جرم را فراهم آورد. از سوی دیگر گاهی بزه دیده ممکن است در وقوع جرم نقش ایفاء کند، بدون اینکه خود آن را خواسته باشد یا پیامدهای آن را محاسبه کرده باشد. مانند دختری که شب هنگام سوار بر اتومبیل جوان غریبه ای می شود و مورد تجاوز قرار می گیرد اگر چه در این مورد بزه دیده ممکن است به ارتکاب جرم رضایت نداشته، ولی ناخواسته در وقوع جرم نقش داشته و ارتکاب آن را تسهیل کرده است.

این رویکرد موجب پیدایش رشته «بزه دیده شناسی اولیه یا علمی» می گردد که به نقش و تأثیر بزه دیده در تکوین جرم توجه دارد. اما در مقابل این رویکرد، طرفداران حقوق بزه دیدگان معتقدند: بزه دیده یعنی شخصی که از وقوع جرم متضرر می شود و تمامیت معنوی و تعادل روانی او خدشه دار و دچار اختلال می گردد، به لحاظ اینکه تجربه بزه دیدگی را دارا بوده است نیاز به انواع حمایت ها دارد و حمایت از بزه دیده در هر موقعیتی لازم است حتی اگر این بزه دیده در وقوع جرم نقش داشته و باعث تسهیل ارتکاب آن شده باشد. این رویکرد سبب تولد شاخه دیگری از بزه دیده شناسی با عنوان «بزه دیده شناسی ثانویه یا حمایتی» گشت. این رویکرد حمایت محور، ایدئولوژیک و انسان دوستانه از اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی، در سطح ملی و فرا ملی، بیشتر مورد توجه بزه دیده شناسان و قانون گذاران کیفری قرار گرفت. بدین سان بود که رویکرد علت شناختی به بزه دیده، به عنوان یکی از

کنشگران جرم، به تدریج جای خود را به جنبش حمایت از حقوق بزه دیدگان داد و سرزنش بزه دیده به خاطر تأثیر رفتار و یا گفتارش در وقوع بزه به سمت کمک به بزه دیده متمایل شد.

اما حتی در این رویکرد و در میان افرادی که معتقدند بزه دیدگان بر فرض نقش و تأثیر در ارتکاب جرم باز هم نیازمند حمایت هستند تردیدی نیست که همه بزه دیدگان به یک میزان شایسته همدردی و حمایت نمی باشند. طرفداران این رویکرد نیز، بزه دیدگانی را که به دلیل رفتار خود یا کوتاهی در حفاظت و مراقبت از خود متحمل ضرر و زیان می شوند، کمتر از افرادی که در ارتکاب جرم هیچ گونه نقشی نداشته و به عبارت دیگر کاملاً بی گناه شمرده می شوند، شایسته کمک و همدردی می دانند. از سوی دیگر، اگر چه امروزه حمایت از بزه دیده به عنوان فردی که نیاز به کمک و همدردی دارد بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. اما سوالاتی در زمینه انواع بزه دیدگان و افرادی که استعداد بزه دیدگی دارند، افرادی که ممکن است دچار بزه دیدگی مکرر گردند و بزه دیدگان نیازمند، بالقوه، مخفی و مانند آن مطرح می شود، که همگی از دستاوردهای بزه دیده شناسی اولیه یا علمی محسوب می شوند. در این میان مطالعه تعامل بزهکار و بزه دیده در فرایند ارتکاب جرم و به دنبال آن طبقه بندی بزه دیدگان (بزه دیده اتفاقی، بزه دیده پنهان یا بالقوه، بزه دیده خاص و بزهکار - بزه دیده)، از مهمترین محورهای این نوع بزه دیده شناسی محسوب می شوند.

در میان طبقه بندی جرایم بر اساس معیار بزه دیده، با جرایمی با عنوان «بزه های بدون بزه دیده» رو به رو می شویم که امروزه در قوانین جزایی بسیاری از کشورها وجود دارند. مدت هاست که قانونگذاران کشورهای مختلف رفتار و کردارهایی را جرم انگاری می کنند که فاقد بزه دیده مستقیم بوده و حقیقتاً با اخلاق در برخورد نمی باشد و با ارتکاب آن صدمه و ضرر مشخص و ملموسی به شخص یا اشخاص معین حقیقی و یا حقوقی وارد نمی آید.

این در حالی است که از منظر حقوق کیفری، که به دنبال حمایت کیفری از یک مصلحت، منفعت، باور و یک ارزش اساسی است، هر جرمی یک بزه دیده و متضرر دارد، این بزه دیده گاهی بزه دیده مستقیم و گاهی غیر مستقیم و غیر مرتبط است و هیچ جرمی بدون بزه دیده نمی باشد و با ارتکاب هر جرمی، بزه دیده آن می تواند مرتکب را تحت تعقیب کیفری قرار دهد. ولی از منظر بزه دیده شناسی جرم شناسانه، همه جرایم دارای یک بزه دیده معین نیستند و گاهی با جرایمی مواجه می شویم که بزه دیده مشخص و مستقیم ندارد و یا در صورت وجود بزه دیده، ضرر وارده از جانب او خواسته شده و گاه دو یا چند نفر با توافق و رضایت یکدیگر مرتکب جرم می شوند و بنابراین همه آن ها بزهکار هستند. در این جرایم قربانی مستقیم وجود ندارد و قربانیان و متضررین غیر مستقیم را نیز نمی توان قربانی جرایم مذکور به حساب آورد. مثلاً در جرایمی مانند ربا که با توافق و رضایت طرفین صورت می گیرد بزه دیده مستقیمی متصور نمی باشد و تنها نظام اخلاقی، اقتصادی و بانکی کشور از انجام این عمل متضرر می گردد.

اما با وجود اینکه هیچ گونه متضرر معینی در این جرایم وجود ندارد و به عبارت دیگر مبنای ورود ضرر به غیر در این جرایم منتفی است ولی در قوانین کشورهای مختلف از دیرباز مقنن اقدام به جرم انگاری این اعمال به لحاظ اخلاق گرایی و پدر سالاری قانونی نموده است. مثلاً در قانون نامه حمورابی در مواد ۳۳ و ۳۵ به طور ضمنی به رشا و ارتشا اشاره کرده است، این در حالی است که

رشا و ارتشا از جمله جرایمی است که فاقد بزه دیده بوده و با توافق طرفین صورت می گیرد. در ماده ۱۰۸ این قانون به ربا که جرم اقتصادی دیگری بوده و فاقد بزه دیده می باشد، اشاره می کند. (عبدی، ۱۳۷۳، صص ۱۱۹-۱۱۸)

در قانون هیتی ها نیز به دسته ای از جرایم بر می خوریم که دارای ضمانت اجرای کیفی به معنای عمومی هستند. این جرایم در واقع مانند جرایم دیگر دارای بزه دیده مشخص نبوده و لذا مجازات بزهکاران این دسته از جرایم، جنبه ترمیمی برای بزه دیده به دنبال نداشته است. این جرایم از یک سو جادوگری و ساحری و از سوی دیگر، جرایم جنسی بود، که مواد مفصلی را به خود اختصاص می داد. (هافر، ۱۳۸۴، صص ۹۱-۹۰) مثلاً در مواد ۱۹۷ و ۱۹۸ قانون هیتی مجازات زنا می محصنه هر چند با رضایت طرفین انجام می شد، مرگ بود.

در تورات نیز دسته ای از اعمال بدون بزه دیده جرم انگاری شده اند. مثلاً تورات ربا گرفتن از یهودیان را منع کرده است: «اگر نقدی به فقیری از قوم من که همسایه تو می باشد قرض دادی، مثل ربا خوار با او رفتار مکن و هیچ سودی بر او مگذار.» (سلیمانی، ۱۳۸۱، ص ۱۷۲)

اما ربا گرفتن از غیر یهودیان در تورات منع نشده است و در این باره مقرر می دارد: «غریب (غیر یهودی) را می توان به سود قرض دهی، اما برادر خود را سود قرض مده...» (سلیمانی، ۱۳۸۱، ص ۱۷۲)

بر اساس تلمود، نه فقط قرض دهنده ای که ربا می گیرد گناهکار است، بلکه قرض گیرنده نیز که پرداخت ربا را می پذیرد، ضامن وی، شاهدان این معامله و حتی کاتبانی که متن این قرارداد را می نویسند ناقض حکم مقدسند (سلیمانی، ۱۳۸۱، صص ۱۷۳-۱۷۲) و گیرنده ربا باید مبلغ یا شی اضافه را به ربا دهنده باز گرداند، و گاه برای مرتکبان این عمل جزای نقدی نیز در نظر گرفته می شد. (سلیمانی، ۱۳۸۱، صص ۱۷۳)

به نظر می رسد قانون گذاران از دیرباز این اعمال را بر طبق روش شناخته شده ای که همه گونه «حساب خواهی» را از فرد میسر می سازد جرم انگاری کرده اند، و مانند یک پدر و فکر برتر به خود اجازه دخالت در حریم خصوصی و آزادی های افراد را داده است. لذا در این تحقیق سعی بر آن داریم تا به مطالعه بزه دیده شناسانه جرایم بدون بزه دیده پردازیم. یعنی اینکه از منظر بزه دیده شناسی که یکی از شاخه های جدید علم جرم شناسی می باشد، می خواهیم این جرایم را مورد بررسی قرار دهیم. از منظر بزه دیده شناسی جرایمی وجود دارد که هیچ بزه دیده مستقیم، خاص و معینی از وقوع آنها متضرر نمی شود که این جرایم را جرایم بی بزه دیده می نامند. از منظر بزه دیده شناسی جرایمی مانند زنا، لواط، مساحقه، شرب خمر، ربا، تفخیز، سب البنی، ولگردی، تکدی گری، جرایم ماهواره ای و ... جزء جرایم بدون بزه دیده هستند ولی ما در این پایان نامه فقط در مورد جرایم بدون بزه دیده ای که در قلمرو مجازاتهای تعزیری و بازدارنده می باشند می پردازیم و در مورد جرایمی که در حیطه حدود می باشند و شارع مقدس در مورد آن حکم خاصی داده و مجازات آن به صراحت در قرآن و سنت آمده است نمی پردازیم و این نوع جرایم را که حکمت خاص خود را دارند، مورد بحث و بررسی قرار نمی دهیم.

الف: تعریف مسأله و طرح موضوع :

جرایم بدون بزه دیده از منظر بزه دیده شناسی به جرایمی اطلاق می شوند که با وقوع آن ضرر و صدمه عینی و ملموسی به شخص یا اشخاص معینی وارد نشده و فرد خاصی از وقوع آن «بزه دیده» نمی شود و یا خود فرد بزه‌کار، بزه دیده است. این موضوع و تعریف ارائه شده از آن مباحث فراوانی را در جرم شناسی و به ویژه در حوزه دانش نوپای «بزه دیده شناسی جرم شناختی» مطرح نموده است. زیرا امروزه سیاست جنایی تا حدود زیادی متأثر از دانش بزه دیده شناسی بوده و بسیاری از برنامه های آن در جهت یافتن بهترین راه ترمیم خسارت های وارده بر بزه دیده است و بالتبع شرط اجرای این برنامه ها و مفید واقع شدن آن ها نیز وجود بزه دیده و متضرر از وقوع جرم است. فی الواقع این برنامه ها با فرض وجود بزه دیده در هر جرم تنظیم شده و در این میان بیشتر به بزه دیده مستقیم و معین توجه داشته است.

حال آن که با عنایت به تعریف فوق و با نگاهی به مجموعه قوانین جزایی کشورهای مختلف و از جمله ایران با جرایمی رو به رو می شویم که فاقد بزه دیده از منظر جرم شناختی هستند. مراد از این جرایم در حقوق ایران، جرایم مربوط به اعمال منافی عفت نظیر زنا، مساحقه، شرب خمر، سب النبی، توهین به مقدسات، ولگردی، کلاشی، تکدی گری، تخلفات رانندگی و ... است، که امروزه از منظر بزه دیده شناسی با عنوان جرایم بدون بزه دیده شناخته می شوند.

با عنایت به مطالب فوق و از آن جایی که بسیاری از برنامه های سیاست جنایی مانند عدالت ترمیمی و پیشگیری وضعی در مورد جرایم دارای بزه دیده قابلیت اجرایی دارند، به نظر می رسد جرایم فاقد بزه دیده در بسیاری از این برنامه ها جایگاهی نداشته و در واقع این جرایم، سیاست جنایی را با چالش های جدی رو به رو ساخته و آثاری در سیاست جنایی به دنبال دارد که البته این امر ناشی از ماهیت خاص این جرایم و ویژگی هایی است که آن ها را از سایر جرایم دارای بزه دیده متمایز می سازد. بنابراین در گام نخست، ضرورت شناخت این جرایم و بررسی ویژگی ها و آثاری که آن ها به دنبال دارند لازم به نظر می رسد، زیرا آن چه موجب تفکیک و تمیز این جرایم با سایر جرایم می گردد، ویژگی ها و عناصر خاص این جرایم است لذا در این تحقیق، پس از تبیین مفهوم این نوع جرایم و جایگاه آن ها، ارتباطشان با سایر مقوله های سیاست جنایی از قبیل جریان دعوای کیفری، آمار جنایی، احساس نا امنی، پیشگیری از جرم و عدالت ترمیمی بررسی می شود.

نکته قابل توجه دیگر این است که، در این تحقیق تنها به جایگاه جرایم بدون بزه دیده در قلمرو مجازاتهای تعزیری و بازدارنده می پردازیم و جرایم شرعی مانند زنا، لواط، مساحقه، شرب خمر و غیره که شارع در مورد آنها حکم صریحی داده است و مجازات آنها تعیین کرده است به دلیل اینکه در شریعت اسلامی آمده و حکمت خاص خود را دارند مورد بحث و مذاقه قرار نمی گیرند. بحث دیگری که در مورد جرایم بدون بزه دیده مطرح می گردد، در تعارض بودن جرم انگاری این گونه اعمال و رفتارها با آزادی های افراد است. زیرا امروزه تلاش دولت ها برای روز آمد کردن حقوق کیفری و همسویی با حقوق بین الملل در راستای تقلیل دخالت در حوزه آزادی های فردی است. به عقیده همه مردم حرمت حریم خصوصی و آزادی های فردی آن ها واجب است. حال آن که حکومت با جرم انگاری برخی از جرایم که به نظر می رسد لطمه جدی به ارزش های اساسی و اجتماعی وارد نمی سازد و جامعه نیز از ارتکاب آن ها به مانند سایر جرایم متضرر نمی گردد، به مداخله در حریم خصوصی افراد جامعه پرداخته و به خود اجازه دخالت در شخصی ترین مسائل زندگی افراد را داده است. زیرا به منظور کشف این جرایم و مجازات عاملین آن ها چاره ای جز ورود به این حریم و نقض آن ها نیست.

بدین سان، با توجه به روند رو به رشد این جرایم و عدم موفقیت و کارایی مجازات‌ها در پیشگیری از این جرایم، به دلیل ویژگی‌های خاص آن‌ها از آن‌جا که جرم زدایی یک رفتار با توجه به دگرگونی‌های اجتماعی، مقتضیات زمانی، مکانی و نیز تغییر افکار عمومی در مورد آن‌ها قابل توجه است، یکی از مباحث مطرح شده پیرامون جرایم بدون بزه دیده، امکان «جرم زدایی»، از این جرایم است. زیرا این جرایم یکی از زمینه‌های مستعد جرم زدایی در حال حاضر هستند و در آن‌ها هیچ شخصی به طور مستقیم متضرر نمی‌گردد.

با عنایت به مطالب فوق، سعی بر آن داریم تا در نتیجه این تحقیق، به مطالعه و بررسی جرایم بدون بزه دیده از منظر بزه دیده‌شناختی در قلمرو مجازات‌های تعزیری و بازدارنده بپردازیم.

ب: سوالات تحقیق:

سوال اصلی:

۱- آیا جرم زدایی از جرایم بدون بزه دیده در بخش تعزیرات و بازدارنده ممکن است؟

سوالات فرعی:

۲- آثار سیاست جنایی جرایم بدون بزه دیده چیست؟

۳- آیا در حقوق ایران جرایم بدون بزه دیده از منظر بزه دیده‌شناسی وجود دارد؟

۴- آیا از نظر فقه جزایی اسلام جرایم بدون بزه دیده قابل تصور می‌باشد؟

ج: فرضیات تحقیق:

۱- جرم زدایی از برخی جرایم تعزیری و بازدارنده در حقوق ایران ممکن است.

۲- یکی از آثار سیاست جنایی، جرم زدایی از جرایم بدون بزه دیده است.

۳- از منظر بزه دیده‌شناسی در حقوق ایران جرایم بدون بزه دیده وجود دارد.

۴- از نظر فقه جزایی اسلام همه جرایم دارای بزه دیده می‌باشند.

د: اهداف تحقیق:

اهداف تحقیق حاضر شامل مطالعه جرایم بدون بزه دیده از منظر بزه دیده‌شناسی و ارائه راهکار برای قوه قضائیه در مورد اینگونه جرایم و همچنین در واقع افزایش اطلاعات عملی درباره این نوع جرایم می‌باشد.

ه: روش انجام تحقیق:

روش انجام تحقیق بر اساس تحلیل حقوقی و عمدتاً با استفاده از منابع کتابخانه‌ای است.

و: سامان دهی تحقیق :

پایان نامه حاضر در سه فصل تنظیم شده و هر فصل نیز شامل دو مبحث است. در فصل اول به مفهوم جرایم بدون بزه دیده ، تبیین عناصر و ویژگیها و ضوابط جرم انگاری در این قلمرو اختصاص یافته و فصل دوم به آثار جرایم بدون بزه دیده می پردازد و در قالب دو مبحث ، آثار جرمشناختی جرایم بدون بزه دیده و آثار جرایم بدون بزه دیده در سیاست جنایی را بیان می کند. و بالاخره از آنجا که اعمال و رفتارهایی که از منظر بزه دیده شناسی فاقد بزه دیده هستند در حقوق کیفری ایران گسترده است در فصل سوم با عنوان «مصادیق جرایم بدون بزه دیده در قلمرو مجازاتهای تعزیری و بازدارنده» جنبه حقوقی و هنجاری جرایم بدون بزه دیده مورد بررسی قرار گرفته است. مبحث اول این فصل به جایگاه جرایم بدون بزه دیده مطلق پرداخته و در دو گفتار مصادیق جرایم علیه خود شخص و جرایم توافقی را مورد بررسی قرار می دهد . مبحث دوم از فصل سوم به جایگاه جرایم بدون بزه دیده نسبی می پردازد و در دو گفتار مصادیق جرایم علیه بزه دیدگان اعتباری و بالقوه را مورد بحث و بررسی قرار می دهند.

فصل اول

مفهوم جرایم بدون بزه دیده، تبیین عناصر،
ویژگیها و ضوابط جرم‌انگاری در این قلمرو

اصطلاح جرایم بدون بزه دیده برای اولین بار در سال ۱۹۶۵ توسط اسکوار بکار گرفته شد؛ وی معتقد بود، جرایم بدون بزه دیده جرایمی هستند که بزه دیده واقعی ندارند؛ مثل سقط جنین، ولگردی، تکدی گری و اعتیاد به مواد مخدر، که در آنها هیچ ضرری برای اشخاص دیگر غیر از مباشر جرم مفروض نیست.

بحث جرایم بدون بزه دیده یا جرایم توأم با رضایت موضوع جدید و در عین حال دارای اهمیت فراوانی در حوزه مطالعات مربوط به بزه دیده شناسی به عنوان یکی از شاخه‌های جدید علم جرم‌شناسی می‌باشد. بدین سان از آن جا که جرایم بدون بزه دیده از موضوعات جدید و نو می‌باشد شناخت این جرایم و رویکردی که بزه دیده‌شناسی نسبت به این جرایم دارد حائز اهمیت است. از جمله مهمترین مباحث مربوط به جرایم بدون بزه دیده تعریف این جرایم، تحلیل عناصر و ویژگی‌های اساسی و بررسی آثار و چالش‌های این دسته از جرایم در سیاست جنایی است چرا که تعیین و تنظیم سیاست جنایی هر کشور و ارائه هر گونه برنامه و راهکار عملی جهت برخورد با یک پدیده مجرمانه مستلزم شناخت و کسب اطلاعات کافی و دقیق پیرامون پدیده مجرمانه مورد نظر می‌باشد.

در این فصل به منظور شناخت جرایم بدون بزه دیده و رویکردی که بزه دیده‌شناسی نسبت به این جرایم دارد در مبحث اول به مفهوم جرایم بدون بزه دیده و تبیین عناصر و ویژگی‌های آن می‌پردازیم و در مبحث دوم نیز اصول و ضوابط حاکم بر جرم‌انگاری در این قلمرو بررسی می‌شود.

1-1- تعریف جرایم بدون بزه دیده

به رغم اهمیت جرم شناسانه بزه‌های بدون بزه دیده در طبقه‌بندی بزه دیده‌شناختی جرایم، هنوز تعریف واحد و جامعی از آنها ارائه نشده است و یکی از مهمترین و در عین حال مشکلترین مباحث در مورد جرایم بدون بزه دیده، تعریف این جرایم و تبیین عناصر اصلی آن است زیرا تفاوت در تعاریف منجر به تفاوت در شناسایی مصادیق این جرایم از یک سو و رویکردهای متعدد و متفاوتی در مورد جرم‌انگاری یا جرم‌زدایی این جرایم از سوی دیگر می‌شود.

لذا جهت روشن شدن بحث و تبیین دامنه اختلاف نظرها در مورد جرایم بدون بزه دیده به ذکر تعریف این جرایم می‌پردازیم. به نظر گسن «جنایات بدون قربانی، اعمال غیراخلاقی هستند که موجب هیچ خسارت قابل تشخیصی برای اشخاص ثالث نیست» (گسن، ۱۳۷۶، ص ۱۹۵)

مطابق تعریف دیگری اصطلاح جرایم بدون بزه دیده امروزه بیشتر در ارتباط با رشد مجموعه‌ای از جرایم بکار می‌رود که هیچ نوع بزه دیده یا شاید هیچکس به عنوان بزه دیده این جرایم تلقی نشود. (زینالی، ۱۳۸۲، ص ۱۷۸)

برابر یک تعریف دیگر: جرایم بدون بزه دیده اعمالی هستند که به کسی آسیبی نمی‌رسانند بلکه این اعمال بر مبنای وارد کردن اخلاق در قانون از طرف دولت جرم‌انگاری شده‌اند. (رهامی و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۲۸)

مطابق تعریف یکی از نویسندگان فرهنگ حقوقی لاتین «جرایم بدون بزه دیده معمولاً یا بزه دیده مستقیم ندارند یا با رضایت طرفین صورت می‌گیرد مانند تملک مواد مخدر، روابط جنسی نامشروع با رضایت بین افراد بزرگسال و روسپیگری» (ویلسون و کلینگ، ۱۳۸۲، ص ۱۸۲)

به موجب تعریف دیگری: یک جرم بدون بزه دیده نوعی رفتاری است که غیر قانونی است اما به لحاظ ماهیت، مبتنی بر رضایت طرفین است و فاقد شاکه و دادخواه است. (mclaughlin and Muncie, 2001 , p.314)

جرایم بدون بزه دیده جرایمی هستند که هیچ بزه دیده معینی ندارند، آنها از اعمالی تشکیل شده‌اند که به خاطر زیر پانهادن قواعد اخلاقی، غیر قانونی شناخته شده‌اند. (schure , 1995 , p.28)

بنا به یک تعریف دیگر «در جرایم بدون مجنی علیه خسارت و ضرر یک عمل، علیه شخص دیگری نمی‌باشد بلکه علیه خود شخص است با همکاری و توافق شخص دیگری که درگیر در عمل بوده ارتکاب یافته، شکایتی از سوی افراد درگیر در عمل نزد پلیس اقامه نشده و این افراد خود را متضرر از عمل ارتكابی تلقی نمی‌کنند تنها رابطه ارادی مستقیمی بدون سود تجاری برای یکی از طرفین وجود دارد و تعریف قانونی عمل ارتكابی به عنوان جرم، محل تردید است. (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیگی، ۱۳۷۷، ص ۳۴۵)

جرایم بدون بزه دیده به جرایمی اطلاق می‌شود که احتمال ورود هر گونه ضرر به دیگران در آن منتفی است و حتی گاهی خود مرتکب، ارتکاب عمل را روشی برای رفع نیازهای خویش می‌داند. جرایم مزبور جرایمی هستند که غیر از فرد مرتکب هیچ شخص دیگری گرفتار آن نبوده و قربانی مستقیم ندارد و قربانیان و متضررین غیرمستقیم را نیز نمی‌توان قربانی جرایم مذکور به حساب آورد. (غفاری، ۱۳۸۲، ص ۱۱)

به موجب تعریف دیگری «جرم توأم با رضایت یا جرم فاقد بزه دیده، جرمی است که تمام طرفهای دخیل در عمل، رضایت داشته و هیچ شخص ثالثی از نتایج مستقیم آن متضرر نمی‌شود» (رهامی و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۲۸) این تعریف به عنصر رضایت در این جرایم تأکید دارد.

جرم بدون بزه دیده یا به عبارت دیگر جرم توأم با رضایت، هرگونه عملی است که صدمه مادی و فیزیکی به اشخاص یا اموال وارد نمی‌کند یا عملی است که توأم با رضایت است و در حال حاضر بر مبنای قوانین موضوعه، غیرقانونی است. (رهامی و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۲۸) در این تعریف علاوه بر عنصر رضایت در این جرایم، به فقدان خسارت مادی نیز اشاره دارد.

از آنجا که در هر یک از این تعاریف بر واژگان کلیدی و عناصر اصلی در جرایم بدون بزه دیده تکیه شده است و با توجه به نقش اساسی و بنیادی که این عناصر در شناخت جرایم بدون بزه دیده خواهند داشت در قالب یک گفتار به بررسی عناصر اساسی جرایم مذکور می‌پردازیم.

۱-۱-۱- تبیین عناصر اصلی جرایم بدون بزه دیده

به منظور شناخت جرایم بدون بزه دیده و تعیین مصادیق آن، درک درست و منطقی از عناصر اساسی آن لازم است این عناصر با توجه به تعاریف یاد شده عبارتند از:

۱-۱-۱-۱- بزه دیده

واژه بزه دیده یکی از نوآوریهای دکتر مهدی کی‌نیا در نوشتگان علوم جنایی در آغاز دهه ۱۳۷۰ است و تا سال ۱۳۸۳ به متن قوانین داخلی ما راه نیافته بود. تعبیرهای قانونگذار درباره‌اش گوناگون بوده که تعبیر «مجنی علیه» نیز یکی از آنها است. شایان گفتن است که «قانون مبارزه با قاچاق انسان» مصوب ۱۳۸۴/۴/۲۸ مجلس شورای اسلامی نخستین قانونی است که در آن واژه بزه دیده بکار رفته است. (ماده ۳)

واژه بزه دیده یکی از مشتقات واژه انگلیسی Victim به شخصی گفته می‌شود که به دنبال رویداد یک جرم، آسیب و زیان یا آزار می‌بیند. (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴، ص ۱۵) در ادبیات لاتین واژه Victim در اصل در مفهوم خاصی به معنای آیین قربانی کردن (یعنی زمانی که جان یک شخص یا حیوان به منظور خشنودی خدایان ستانده می‌شد)، در تمدن‌ها و فرهنگهای باستانی به کار می‌رفت و بر همین پایه در نوشتگان فارسی نیز واژه قربانی در برابر آن به کار می‌رود. (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴، ص ۸۱)

قربانی در واژه شناسی یعنی آنچه یا آن که به نیت به دست آوردن رضایت خداوند ذبح می‌شود، آن که به دلیل قرار گرفتن ناخواسته و غیرارادی در وضع دشوار و محیط نامناسب یا به موجب عمل دیگری، دچار مشکل و مصیبت شده است. (انوری، ج ۲، ۱۳۸۴، ص ۱۷۰۸)

در نوشتگان علوم جنایی هرگاه این آسیب و زیان یا رنج و آزار از رفتار مجرمانه انسان برخاسته باشد به فرد زیان دیده «قربانی جرم» یا «بزه دیده» می‌گویند. (Fattah, 1997, p. 147)

عزت فتاح نظریه پرداز بزه دیده‌شناسی واژه قربانی را برای کسی که به هر گونه زیان یا آسیب (خواه مالی، بدنی، خواه درد و رنج عاطفی) دچار شده باشد به کار می‌برد. (Fattah, 1991, p. 6)

به عقیده لپزو و فلیزولا، بزه دیده کسی است که یک خسارت قطعی، آسیبی به تمامیت شخصی او وارد آورده است و اکثر افراد جامعه هم به این مسأله اذعان دارند. (لپزو و فلیزولا، ۱۳۷۹، ص ۹۶)

تعریف بزه‌دیدگی و بزه دیده به تعریف جرم و بزه بستگی دارد. معمولاً از بزه‌دیدگی به «مورد سوء رفتار مجرمانه واقع شدن» تعبیر می‌شود. واژه بزه دیده، به قربانی بزه اشاره دارد یعنی فردی که بزهکار یا عوامل جرم‌زا و شرایط اجتماعی او را مورد ظلم و ستم قرار داده است.

در بعضی از تعاریف موجود تعریف بزه دیده این گونه آمده است: بزه دیده فردی است که تمامیت شخصی وی به وسیله یک عامل خارجی که هم برای خود وی و هم برای جامعه مشخص است، مورد تعرض و آسیب واقع شده است. (میر خلیلی، ۱۳۸۵، ص ۶۷).

به تعبیری ساده باید گفت بزه دیده کسی است که جرمی علیه او ارتکاب یافته باشد و تمامیت معنوی، جسمانی و یا مالی او آسیب دیده باشد و به عبارت دیگر بزه دیده شخصی است حقیقی یا حقوقی که در پی وقوع جرم، محتملاً ضرر و زیان مادی یا معنوی شده است و نیاز مبرم به تأمین خسارت و جبران ضرر و زیان دارد.

با توجه به آنچه گفته شد بزه دیده را می‌توان چنین تعریف کرد: بزه دیده شخصی است که به دنبال رویداد یک جرم به آسیب بدنی، روانی، درد و رنج عاطفی، زیان مالی یا آسیب اساسی به حقوق بنیادی خود دچار شده باشد.

بر پایه این تعریف: نخست، واژه «شخص» در این تعریف در بردارنده شخص حقیقی و نیز شخص حقوقی است. (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۹)

در قانون مجازات اسلامی نه تنها ۳۱ بار از واژه بزه دیده - یعنی مجنی علیه - آشکارا نام برده شده، بلکه در مواردی اشخاص حقوقی، بزه دیده تلقی شده‌اند. به عنوان مثال در ماده ۵۱۱ قانون مجازات اسلامی (جرم تهدید به بمب‌گذاری) دولت به منزله یک شخص حقوقی، به طور مستقیم بزه دیده انگاشته شده است. همچنین اگر بزه دیده یک شخص حقوقی دولتی باشد ممکن است به نمایندگی از جامعه این عنوان را به دنبال بکشد. در این موارد می‌توان تعبیر «بزه دیده‌ی جانشین یا بزه دیده نیابتی» را بکار برد. برای نمونه در تبصره ماده ۵۶۸ همان قانون، سازمان میراث فرهنگی - که شخص حقوقی است - بزه دیده تخریب آثار فرهنگی و تاریخی شناخته شده است. (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴، ص ۱۷)

دوم، واژه بزه دیده هم در بردارنده بزه دیدگان مستقیم و هم بزه دیدگان نامستقیم است. به دیگر سخن، این واژه نه تنها خود بزه دیده (بزه دیده مستقیم)، بلکه خانواده بزه دیدگان مصیبت دیده و شخصی را که در جریان کمک به بزه دیدگان مصیبت دیده به آسیب دچار می‌شود (بزه دیدگان نامستقیم)، نیز در بر می‌گیرد. (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴، صص ۱۲۰-۱۱۹)

درباره بزه دیده مستقیم، باید از واژه مجنی علیه نام برد که با الهام از فقه اسلامی به متن قانون راه یافته است. در کنار این مفهوم، تعبیرهای دیگری مانند مقذوف (ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی) مقتول و مجروح (مواد ۲۱۰ و ۲۱۷ همان قانون) شخص توقیف شده (ماده ۵۸۵ قانون مجازات اسلامی) محبوس شده یا مخفی شده (ماده ۵۸۷ همان قانون) مصدوم (ماده ۷۱۵ همان قانون) به چشم می‌خورد که می‌توان آنها را به مفهوم بزه دیده مستقیم پیوند داد.

درباره بزه دیدگان نامستقیم هم تعبیرهای گوناگون بوده است. برای نمونه، قانون مجازات اسلامی در جرمی چون قتل از خانواده بزه دیده و بستگان او در چارچوب عنوانهایی مانند اولیای دم (صاحبان خون) نام می‌برد. بر همین پایه، ماده ۲۰۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ قتل عمد را موجب قصاص می‌داند و به صاحبان خون اجازه می‌دهد تا با اذن ولی امر قاتل را با رعایت شرایط ذکر شده در این قانون قصاص کنند. در مواد ۲۲۰، ۲۲۱ و ۲۲۵ از همین قانون، عبارت «ورثه مقتول» به چشم می‌خورد. در پیوند میان دو اصطلاح «اولیای دم» و «ورثه مقتول» ماده ۲۶۱ مقرر کرده که «اولیای دم که قصاص و عفو در اختیار آنهاست همان ورثه مقتولاند، مگر شوهر یا زن که در قصاص، عفو و اجرا اختیاری ندارند». در ماده ۲۴۸ قانون مجازات اسلامی نیز قانونگذار این بار در بحث قسامه دامنه بزه دیدگان نامستقیم را گسترده در نظر گرفته است. به موجب این ماده در موارد لوث، قتل عمد با قسم پنجاه نفر مرد ثابت می‌شود و قسم خوردندگان باید از خویشان نسبی مدعی باشند.

سوم، گذشته از اینکه مرتکب عمل شناسایی، دستگیر، پیگرد یا محکوم شده باشد یا نه، و گذشته از پیوند خانوادگی میان مرتکب و بزه دیده، شخص ممکن است بزه دیده انگاشته شود. به دیگر سخن، شخص بزه دیده در این موارد شایسته حمایت و جبران آثار بزه دیدگی است. (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴، ص ۱۲۰)

قانونگذار ایران هم با الهام از آموزه‌های فقهی در چنین مواردی تلاش کرده تا دست کم از عهده جبران خسارت (زیانهای مالی) وارد بر برخی از بزه دیدگان برآید. بر همین پایه در قانون مجازات اسلامی ساز و کار پرداخت دیه حتی از خزانه دولت، در بزه قتل پیش بینی شده است. برای نمونه ماده ۲۵۵ پرداخت دیه از بیت المال را در صورت معلوم نبودن قاتل پیش بینی کرده است. همچنین ماده ۲۶۰ با وجود فرار قاتل عمدی و دسترس ناپذیری به او، بزه دیدگان نامستقیم قتل را همچنان از حمایت مالی بهره‌مند می‌سازد. همچنین قابل ذکر است که در متون فقهی معمولاً زیان دیده از جرم با عنوان مجنی علیه یعنی کسی که جرم و جنایت علیه او ارتکاب یافته تعبیر می‌شود. البته در انواع جرایم، زیان دیده از هر جرم با اصطلاح خاص خود بیان می‌شود مثلاً مال باخته از جرم سرقت تحت عنوان مسروق منه، کسی که مورد زنا واقع شده گاهی مزنی بها (البته با توجه به نقش طرفین در جرم زنا در مواردی نیز زانیه و زانی تعبیر شده است لیکن تعبیر فوق در مواردی که تجاوز به عنف بوده یا شخص مورد تجاوز غیرمکلف باشد اصطلاحی رایج‌تر است)، و کسی که مورد ضرب و جرح واقع شده به مصدوم یا مجروح تعبیر می‌شوند. (میرخلیلی، ۱۳۸۵، ص ۶۷)

اما در مورد طبقه‌بندی انواع بزه دیدگان باید دانست که در این رابطه دو نوع دسته بندی وجود دارد:

۱-۱-۱-۱-۱-۱ طبقه بندی بزه دیده شناختی جرایم

در این طبقه‌بندی وضع بزه دیده در ساختار جرم بررسی می‌شود و شامل چهار نوع به شرح ذیل هستند: (گسن، ۱۳۸۵، ص ۱۹۹)

۱- جرایم علیه بزه دیدگان واقعی و مشخص یا حقیقی: در این دسته منظور از بزه دیده، شخص یا اشخاصی هستند که مستقیماً از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان شده‌اند. خواه این بزه دیدگان، اشخاص حقیقی و حقوقی و خواه گونه‌های جانوری باشند که در سالهای اخیر در قالب حمایت کیفری از محیط زیست مورد مذاقه مقنن قرار گرفته‌اند.

۲- جرایم علیه بزه دیدگان اعتباری: مانند نظم عمومی، بهداشت و سلامت عمومی، اخلاق حسنه و غیره.

در این قبیل جرایم شخص یا اشخاص معین، قربانی مستقیم بزه تلقی نمی‌شوند بلکه کل جامعه به طور کلی بزه دیده‌ی این گونه جرایم انگاشته می‌شود.

۳- جرایم علیه بزه دیدگان بالقوه: این جرایم همانند دسته دوم علیه شخص خاصی ارتکاب نمی‌یابند در واقع جرم انگاری این قبیل جرایم که در جرم‌شناسی به جرایم مانع یا بازدارنده نیز مشهورند تحت تأثیر مکتب تحقیقی و با تکیه بر نظریه حالت خطرناک گسترش یافت بدین معنا که انحرافات زمینه ساز جرم، مصادیق حالت خطرناک تلقی می‌شوند و دارای خطر بالقوه بزه دیدگی هستند. برای نمونه می‌توان به رانندگی با سرعت غیرمجاز و حمل سلاح ممنوعه اشاره نمود که فی نفسه قربانی حقیقی ندارند ولی ممکن است منجر به بزه دیدگی افراد شوند. (نجفی ابرندآبادی و دیگران، ۱۳۸۳، صص ۲۵-۲۳)

۴- جرایم بی‌بزه دیده: اعمال غیر اخلاقی که موجب هیچ خسارت قابل تشخیص برای افراد ثالث نمی‌باشد به عبارت دیگر آثار زیان بار آن نسبت به دیگران ملموس نیست و بیشتر متوجه خود مرتکب می‌شود مانند فحشا و استعمال مواد مخدر.

۱-۱-۱-۱-۲- طبقه بندی بر مبنای نقش بزه دیدگان در ارتکاب جرم

در دهه ۱۹۴۰ توجه دانشمندان به رابطه میان بزه دیده و بزهدار جلب می‌شود. هانس فون هنتینگ، بنیامین مندلسون و هانری هلنبرگر بر اهمیت بررسی رابطه میان مجرم و بزه دیده، به منظور درک بهتر خاستگاهها و آثار جرم تأکید نموده‌اند. تحقیقات انجام شده پیرامون بزه دیده روشن کرد که بزه دیده می‌تواند در قبل، در طول و بعد از ارتکاب جرم نقش داشته باشد. (مهرا، ۱۳۷۶، صص ۴۵۱-۴۴۳)

منشأ و خاستگاه بزه دیده شناسی به طور گسترده به مندلسون، فون هنتینگ و ورتام نسبت داده شده است. (walklate,2007,p.119)

بنیامین مندلسون یک آمریکایی رومانیایی تبار است که در کنار هنتینگ از بنیانگذاران بزه دیده شناسی است. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۶-۸۷، صص ۲۶۳۶) و خصوصاً مندلسون را به عنوان بنیانگذار بزه دیده شناسی ثانوی (حمایتی) نام می‌برند. (رهامی و دیگران، ۱۳۸۷، صص ۳۱) او در تحقیقات خود بزه دیدگان را بر اساس منش، میزان و نحوه مشارکت آنها در عمل مجرمانه به پنج دسته اصلی ذیل طبقه بندی کرد: (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیگی، ۱۳۷۷، صص ۳۵۳)

۱- بزه دیده کاملاً بی‌گناه (بزه دیده آرمانی یا ایده آل): یعنی بزه دیده‌ای که هیچ گونه نقش و سهمی در ارتکاب جرم نداشته و کاملاً نا آگاه بوده است مانند کودک بزه دیده و مجانین. (کلانتری، ۱۳۸۰، صص ۱۱۷)

۲- بزه دیده بی‌احتیاط: که خودش خلق تصادف می‌کند زیرا تسلط بر خودش ندارد. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۳-۷۴، صص ۲۷۶)

۳- بزه دیده عامل: یعنی بزه دیده‌ای که به اندازه بزهدار مقصر است و مسئولیت مجرمانه‌ای همسان با مجرم دارد و آن بزه دیده‌ای آگاه و مختار است و رضایت به ارتکاب جرم دارد مانند: (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۳-۷۴، صص ۲۷۶)

الف: کسانی که با قرعه در تیراندازی، اقدام به خودکشی می‌کنند (خودکشی در بعضی قوانین کیفری دارای مجازات است و جرم محسوب می‌شود)

ب: خودکشی مبتنی بر الحاق (خودکشی به خاطر الحاق به یک آرمان، عقیده، مرام و ...)

ج: بزه دیده‌ای که از بیماری لاعلاجی رنج می‌برد و از اطرافیان تقاضای قتل خود را می‌کند (قتل از روی ترحم یا مرگ شیرین)